



Study of Three Altar Stones of Atigh Jame' Mosque in Shiraz

Mohammadali Mokhlesi^{1*}

1. Expert, Research Center of Linguistic, Inscriptions and Texts, Cultural Heritage and Tourism Research Center, Tehran, Iran

Received 2022/04/14 | Accepted 2022/08/1

Abstract

The altar stone is an important factor in the stone industry of the late 5th and 6th centuries. As the motifs and figures of great altars belonging to these periods are reflected in smaller and finer dimensions of altar stones, they are of great importance. During the Saljuq period, stones of the altars became so important that many of the artists who engraved tombstones in this period were attracted to the altar designs and created beautiful tombstones, some of which are now in museums. The altar stone of the Atigh Jame' Mosque is different regarding its form, dimensions and decorations. The altar stone of Khoday Khane is amongst the altar stones of the mosque in the late fifth and early sixth centuries, and the altar stone transferred to Vakil Mosque belongs to the sixth century in terms of the Kufic scripts and type of decoration. The decoration and scripts of the altar transferred to the Stone (Haft-Tanan) Museum assures it belonging to 8th century. There is no information about the location of this altar stone in the past, but with the modernization of the three altar mosques in southwest, southeast and northeast Shabestans in the last century, it is likely that these stones belong to three Shabestans.

Keywords: Shiraz, Atigh Jame' Mosque, Altar stone, Stone (Haft-Tanan) Museum

Copyright © 2020 Journal of Studies of Cultural Heritage Documents. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



(۱۴۰۱)
Mokhlesi, M. (2022). Study of Three Altar Stones of Atigh Jame' Mosque in Shiraz. *Cultural Heritage Records Studies*, 2(2), 52-61.

Corresponding Author: Mohammadali Mokhlesi, Expert, Research Center of Linguistic, Inscriptions and Texts, Cultural Heritage and Tourism Research Center, Tehran, Iran. **Email:** mokhlesi1331@yahoo.com



پژوهشی در سه سنگ محراب مسجد جامع عتیق شیراز

محمدعلی مخلصی^{*۱}

۱. کارشناس، پژوهشکده زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۵ | پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۰

چکیده

سنگ محراب‌ها در حقیقت محراب‌نماهای کوچکی هستند که در صنعت سنگ‌تراشی اواخر قرن پنجم و ششم، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. نقوش و خطوط محراب‌های بزرگ این دوره‌ها در ابعادی کوچک‌تر و ظریف‌تر در این سنگ محراب‌ها جلوه‌گر شده و به همین خاطر از اهمیت به‌سزایی برخوردارند. در دوره سلجوقی این سنگ محراب‌ها آن‌چنان اهمیت یافتند که بسیاری از سنگ‌تراشان سنگ قبور این دوره، به نقوش محرابی آنها تمایل یافته و سنگ‌قبرهای بسیار زیبایی ساخته و پرداخته کردند که تعدادی از آنها امروزه زینت‌بخش پاره‌ای از موزه‌ها هستند. سنگ محراب‌های مسجد جامع عتیق، از نظر فرم، ابعاد و تزیینات با هم تفاوت دارند. سنگ محراب خدای‌خانه در زمرة سنگ محراب‌های مسجد فرط و متعلق به اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است و سنگ محراب منتقل‌شده به مسجد وکیل از لحاظ خطوط کوفی و نوع تزیین به قرن ششم تعلق دارد. تزیینات و خطوط سنگ محراب انتقالی به موزه هفت‌تنان، انتساب آن را به قرن هشتم مسجل می‌سازد. از محل استقرار این سنگ محراب‌ها در گذشته اطلاعی در دست نیست ولی با توجه به نوسازی سه محراب مسجد در شبستان‌های جنوب غربی، جنوب شرقی و شبستان شمال شرقی در سده اخیر، محتمل است به این سه شبستان تعلق داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: شیراز، مسجد جامع عتیق، سنگ محراب، موزه سنگ هفت‌تنان

کپی‌رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی: دسترسی آزاد؛ کپی برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

مخلصی، محمدعلی (۱۴۰۱). پژوهشی در سه سنگ محراب مسجد جامع عتیق شیراز. *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، ۲ (۲)، ۵۲-۶۱.



* نویسنده مسئول: محمدعلی مخلصی، کارشناس، پژوهشکده زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

پست الکترونیک: Mokhlesi1331@yahoo.com

مقدمه

اول به کار رفته و خطوط آن، همان خط کوفی است که در نیمه اول قرن ششم هجری مرسوم بوده است. بنابراین، بدون شک این محراب باید از آثار نیمه اول قرن ششم و از اتابکان سلجوقی فارس، به‌ویژه دوره زاهده‌خاتون باشد.

مسجد جامع عتیق در دوره اتابکان فارس

اکثر اتابکان فارس که از سال ۵۴۳ تا ۶۸۳ ه.ق بر فارس حکمرانی می‌کردند، سلاطینی عادل، کریم، شجاع و شیعی مذهب بودند و به سبب احداث مساجد، ابنیه عام‌المنفعه و تأمین رفاه و آسایش مردم، به نیک‌نامی شهرت داشتند. متون تاریخی نیز در دوره‌های مختلف از رونق و آبادانی شهر شیراز، احداث و یا مرمت بنا در دوره فرمانروایی اتابکان سخن‌ها گفته‌اند.

اتابک ابوبکر سعد زنگی از مشهورترین و مقتدرترین اتابکان این خاندان بود که به آبادانی شیراز توجه خاصی داشت. مؤلف کتاب شیرازنامه، به آثار عمرانی او در مسجد جامع عتیق اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«از آثار دیگر اتابک ابوبکر سقایه (آب‌انبار) اتابک در قبلی مسجد عتیق در شیراز است و بر هریک ازین عمارات بسیاری از املاک معتبره بر آن وقف کرده است» (زرکوب‌شیرازی، ۱۳۵۰: ۵۹).

معین‌الدین جنیدشیرازی در تذکره هزار مزار به نقل از ناصرالدین بیضاوی، به توجه اتابک فارس به مسجد جامع عتیق اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«چون اتابک پادشاه شیراز گشت بفرمود تا دو حلقه نقره ساختند و به مکه شریفه بردند و از شرفای کعبه معظم درخواست کرد تا آن دو حلقه از بهر او بفرستادند و آن دو حلقه را در دو مصراع این در آویخته‌اند که مشهور است به آن و می‌گویند که هر دو حلقه در کعبه است که از برکات دست بسیاری از اولیاءالله به آن رسیده...» (زرکوب‌شیرازی، ۱۳۵۰).

جنیدشیرازی به نام اتابک در مرمت و یا الحاقات دیگر مسجد اشاره‌ای ندارد؛ اما از آنجا که ابوبکر بن سعد به مسجد عتیق و مرمت آن توجه خاص داشته، دور از ذهن نیست ضمن احداث آب‌انبار به تعمیرات مفصل بنا نیز همت گماشته باشد.

یکی از وزرای آبادگر قرن هفتم شیراز، اتابک ابوبکر امیر مقرب‌الدین ابوالمفاخر مسعود بن بدر بود. وی در جنب مسجد عتیق و متصل به آن رباطی احداث کرد و نزدیک به این دو بنا دارالحدیث و دارالشفای ساخت (زرکوب‌شیرازی، ۱۳۵۰). به گفته زرکوب شیرازی در این زمان، مسجد جامع عتیق معمور و تا به این غایت نماز جمعه در آنجا می‌کردند (همان). پس از مرگ سعد بن ابوبکر، همسرش ترکان

کتابه‌های سنگی معمولاً به چند دسته تقسیم می‌شوند که از میان آنها می‌توان به وقف‌نامه‌ها، فرمان‌های حکومتی، تاریخ ساخت نام بانی بنا و یا مرمت بنای وابسته، کتابه‌های قرآنی، سنگ محراب‌ها و ... اشاره کرد که تمام نمونه‌های آن در مسجد جامع عتیق شیراز عینیت یافته است. از میان این کتابه‌ها، سنگ محراب‌های مسجد جامع، هرچند از نظر کمیت چشمگیر نیستند، اما به سبب قدمت، نقش و خطوط ظریف و متفاوت، اهمیت ویژه‌ای دارند. قبل از معرفی این سنگ محراب‌ها، بازگویی شمه‌ای از تاریخ مرمت‌ها در مسجد عتیق، در دوره سلجوقیان، اتابکان و قرن هشتم و دوره آل اینجو و آل مظفر که سنگ محراب‌ها به این دوره‌ها تعلق دارند، ضروری به نظر می‌رسد.

مسجد جامع عتیق در دوره سلجوقیان

در اوایل قرن ششم، شیراز اوضاع مطلوب امنیتی نداشته است. کشمکش‌های بین امرای شبانکاره و سلجوقیان، شیراز را در معرض ویرانی و تاراج این دو گروه قرار داده بود. گویاترین سند تاریخی از اوضاع آن روز شیراز، نوشته ابن بلخی است که خود در موقعیت ناآرام شیراز قرار داشته است. وی که کتاب خود را حدود سال‌های ۵۰۰ تا ۵۱۰ ه.ق به دستور اتابک چاولی تألیف کرده است، به‌طور ضمنی بر ویرانی شیراز تأکید کرده و نوشته است:

«و (شیراز) شهری است کی چون آبادان گردد هیچ نظیر ندارد و جامع شیراز جایی فاضل است» (ابن بلخی، ۱۳۷۴).

پس از اتابک چاولی، فرمانروایان دیگری مثل اتابک قراچه، اتابک منکوبرس و اتابک بوزابه و همسرش زاهده‌خاتون از طرف سلجوقیان به فرمانروایی فارس رسیدند. براساس آنچه در متون تاریخی آمده، این سلسله حکمرانان صاحب‌نفوذ تلاشگری بودند که با ایجاد ابنیه عام‌المنفعه، نام نیکی از خود به یادگار گذاشتند. زاهده‌خاتون، همسر اتابک بوزابه، یکی از اتابکان مشهوری بود که علو همت و احسان داشته و نیکوکار و آبادی طلب بوده است.

مدرسه فزاریه نزدیک مسجد جامع شیراز، تخت قراچه، مدرسه لالائیه، مدرسه زاهده‌خاتون، مدرسه و کاروان‌سرای تاجیه (از آثار تاج‌الدین شیرازی) از آثار ارزنده اتابکان سلجوقی شیراز بود. مدت فرمانروایی این زمامداران از برچیده‌شدن دولت آل بویه تا زمان اتابکان، هشتادوپنج سال طول کشید. پایان این سلسله سال ۵۴۳ هجری قمری است که سنقر بن مودود، ملقب به اتابک مظفرالدین، از زیر اطاعت سلجوقیان بیرون آمد و به‌طور مستقل در فارس مستقر شد. از آثار عمرانی قرن ششم در مسجد عتیق، وجود محراب سنگی در مسجد است که یکی در خدای‌خانه نصب شده و دیگری به مسجد و کیل انتقال یافته است. ویژگی‌های هنری که در محراب



نشده است، به گفته سامی به مسجد جامع تعلق دارد که به دنبال مرمت‌ها و الحاقات صورت گرفته در قرن هشتم در مسجد نصب شده است.

موقعیت سنگ محراب‌ها

متأسفانه موقعیت مکانی سنگ محراب‌ها در مسجد جامع عتیق معلوم نیست. فقط یکی از سنگ محراب‌ها فعلاً در مسجد قرار دارد و به گفته محققانی چون ویلبر و علی سامی، دو سنگ محراب دیگر به مسجد وکیل و موزه سنگ انتقال یافته است که در بخش معرفی سنگ محراب‌ها به آن اشاره خواهد شد.

بی‌تردید این سنگ محراب‌ها که در محراب‌های اصلی آجری و یا گچی نصب بوده‌اند، به شبستان جنوب غربی، شبستان جنوب شرقی و شبستان شمال شرقی مسجد تعلق داشته‌اند که پس از مرمت‌های مسجد در دهه دوم قرن اخیر، محراب‌های نو و کاشی‌کاری و سنگی جایگزین آنها شده است.

سنگ محراب ۱

سنگ محراب خدای خانه

این سنگ محراب در دیوار سمت راست ورودی خدای خانه یا بنای مرکزی نصب شده و به منظور حفاظت از آن، آن را درون یک قاب شیشه‌ای جای داده‌اند. این سنگ محراب از سه قطعه سنگ آهکی وصالی شده تشکیل شده است (تصویر ۱). هرچند محل دقیق نصب اولیه این سنگ مشخص نیست، اما بی‌تردید با توجه به متن کتیبه آن که شامل بخشی از آیه ۹ سوره جمعه است، قطعاً به مسجد جامع عتیق تعلق داشته است.

علی سجادی در سیر تحول در محراب‌ها، به این نکته اشاره دارد که به گفته یکی از اعضای هیئت امنای مسجد، این سنگ محراب را ویلبر هنگام کاوش پیدا کرده است (سجادی، ۱۳۷۵)، ولی ویلبر در کتاب مسجد عتیق شیراز که به برخی کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها اشاره‌ای مختصر دارد، از ذکر این سنگ محراب غافل مانده است. به‌رحال سنگ یادشده که در اثر ویرانی بنا شکسته و به سه قطعه تقسیم شده، هنگام تعمیر مسجد و نوسازی خدای خانه، به وصالی آن اقدام، و برای حفاظت به خدای خانه منتقل شده است.

قدمت

این سنگ محراب تاریخ ندارد و درباره قدمت آن نظرات گوناگونی ابراز شده است؛ از جمله شبیبانی و نیک‌زاد با توجه به شباهت نقوش اسلیمی برجسته آن با طرح‌های گچ‌بری بقعه پیربکران (۷۱۲ ه.ق) آن را به قرن هشتم نسبت می‌دهند (شبیبانی و نیک‌زاد، ۱۳۸۳).

سجادی این سنگ محراب را با سنگ محراب‌های بقعه شاه ابوالقاسم یزد، محراب مسجد فرط، محراب بقعه فاطمه خاتون،

خاتون به قدرت رسید و خطبه به نام پسر دوازده‌ساله او خوانده شد. ترکان خاتون نیز به احداث بناهای زیادی دست زد که از کم‌وکیف بناهای احداث شده و یا مرمت شده به دستور او اطلاع زیادی نداریم.

آبش خاتون، فرزند ترکان خاتون و سعدبن ابوبکر، آخرین فرمانروای اتابکان فارس، از جمله پادشاهان آبادگری بود که بناهای زیادی از خود به یادگار گذاشت.

اعتمادالسلطنه در کتاب مرآت البلدان (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸) و میرزا جعفر حقایق‌نگار در نزهت‌الاکبار می‌نویسد که اتابک آبش سلغری قدری بر بنای عمرولیت در مسجد جامع عتیق افزود (حقایق‌نگار، ۱۳۸۰: ۷۰). فرصت‌الدوله نیز بر مرمت مسجد جامع عتیق در زمان اتابکان تأکید دارد؛ اما به اتابک موردنظر اشاره‌ای نمی‌کند (فرصت‌الدوله، ۱۳۶۲).

محراب منصوب در کریاس مسجد وکیل طبق گفته ویلبر به مسجد جامع عتیق تعلق دارد (ویلبر، ۱۳۸۷). خطوط کوفی این محراب تعلق آن را به اوایل قرن ششم مسجل می‌سازد. بعید نیست حکام و یا امرای دوره اتابکان با مرمت بخش‌هایی از مسجد و اهدای این سنگ محراب‌ها، توجه ویژه خود را به مسجد عتیق نشان داده باشند.

مسجد عتیق در دوره آل اینجو و قرن هشتم

قرن هشتم در شیراز مصادف با آغاز حکومت آل اینجو است. معروف‌ترین پادشاه این سلسله شاه شیخ ابواسحاق است که با درایت مادرش تاشی خاتون مدت ۱۵ سال بر فارس و ایالات تابعه حکومت کرد. شاه شیخ ابواسحاق براساس کتیبه زیبا و بسیار مهمی که با تاریخ ۷۵۲ هجری بر پیشانی خدای خانه نقش بسته، به مرمت کامل مسجد پرداخته و بنای کوچک خدای خانه را نوسازی کرده و الحاقاتی بر آن افزوده است. به نظر می‌رسد وی در دوران کوتاه پادشاهی‌اش که به قول حافظ «خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود»، دو بار به مرمت خدای خانه همت گماشته باشد

ابن بطوطه که در سال ۷۴۸ ه.ق به شیراز رفته است، مسجد جامع عتیق را چنین توصیف می‌کند:

«مسجد بزرگ شیراز که به نام مسجد عتیق، یکی از وسیع‌ترین و زیباترین مساجد است. صحن بزرگ آن با مرمر فرش شده و تابستان‌ها هر شب صحن آن را می‌شویند. بزرگان شهر برای گزاردن نماز مغرب و عشا در آنجا فراهم می‌آیند. در شمال مسجد دری است که آن را در حسن می‌نامند و از آنجا به بازار میوه‌فروشان می‌رود. این بازار یکی از زیباترین بازارهاست و من آن را از باب البرید دمشق هم زیباتر می‌دانم...» (ابن بطوطه، ۱۳۴۸).

سنگ محراب دیگری که در هیچ‌یک از متون به آن اشاره



تصویر ۱. سنگ محراب خدای خانه (مأخذ: نگارنده)

در لچکی‌های محراب و داخل قوس طاق‌نما از طرح‌های تزیینی اسلیمی استفاده شده و در پایین محراب، نقشی از یک درخت با برگ‌های متقارن نقر شده است (تصویر ۳).

هرچند تزیینات سنگ محراب مشتمل بر یک طاق‌نمای محرابی‌شکل با قوس جناغی است که قوس آن بر دو ستون ماریچ با پایه و سرستون طرح گلدانی قرار گرفته، شیوه‌های تزیین و طرح‌های داخل قوس با تزیینات قرن هشتم نیز مطابقت دارد؛ لیکن نوع خط، نوع ستون‌ها و طرز قرارگیری، آن را از آثار قرن ششم معرفی می‌کند.

محراب مسجدجامع گلپایگان (۵۰۸ ه.ق) و محراب مسجدجامع ساوه (۵۰۴ ه.ق) یکی دانسته و آن را متعلق به اوایل قرن ششم می‌داند (سجادی، ۱۳۷۵).

اتینگه‌اوزن به نقل از گزا (Gaza) تاریخ محراب فاطمه خاتون را اواخر قرن ۱۱ و اوایل قرن ۱۲ م نوشته است (Ettinghausen, 1972).

شبهات این محراب با محراب مسجدجامع میمه و سنگ محراب بقعه فاطمه خاتون در موزه متروپولیتن که هر دو به قرن ششم هجری تعلق دارند، قدمت این سنگ محراب را تا اوایل قرن ششم هجری عقب می‌برد.

سنگ محراب مسجدجامع عتیق شیراز به صورت مستطیل، با ابعاد ۵۰ × ۹۶ سانتی‌متر، حاشیه‌ای در اطراف و یک طاق‌نمای میانی دارد که قوس آن بر دو ستون با سرستون‌ها و پایه‌ستون گلدانی زیبا قرار گرفته است. ستون‌های دوسوی محراب نیز تزییناتی با خطوط ماریچی دارند.

داخل طاق‌نمای محراب با یک نقش اسلیمی تزیین شده و برگ‌های برساوشده این اسلیمی به صورت قرینه به اطراف کشیده شده است. دو کتیبه به خط کوفی این محراب را زینت می‌دهند. یکی در حواشی محراب که بخشی از آیه ۹ سوره جمعه، به شرح ذیل به صورت برجسته نقر شده و به سبب جای نگرفتن تمام آیه، به تحریر بخشی از آن اکتفا شده است. این کتیبه از سمت راست حاشیه سنگ شروع شده و سه ضلع آن را دور می‌زند و بخش پایانی این آیه در ضلع پایینی جای می‌گیرد.

«بسم الله الرحمن الرحيم يا ايها الذين آمنوا اذا نودى للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا الى ذكر الله» (تصویر ۲).

کتیبه دیگر در اطراف قوس سنگ محراب به همان خط کوفی نگارش یافته که هرچند به علت ساییدگی آسیب دیده، تمام خطوط آن خوانا است. متن این کتیبه که بخشی از آیه ۱۳۲ سوره بقره است، به شرح ذیل است:

«فسيكفيهم الله هو السميع العليم»



تصویر ۲. بخش آغازین کتیبه سنگ محراب خدای خانه (مأخذ: نگارنده)

سنگ محراب ۲

موقعیت مکانی

در دیوار دالان مسجد وکیل، روبه‌روی ورودی صحن مسجد، قطعه‌سنگ مرمر مستطیل محرابی‌شکلی نصب بود که ویلبر با ارائه‌ی تصویری از آن بر تعلق آن به مسجد جامع عتیق شیراز تأکید دارد. این سنگ محراب پس از تخریب وسیع مسجد در تاریخی نامعلوم که احتمالاً باید پس از سال ۱۳۱۴ شمسی بوده باشد، از مسجد عتیق به مسجد وکیل انتقال یافته و در دیوار دالان ورودی، روبه‌روی صحن نصب شده است (ویلبر، ۱۳۸۷) (تصویر ۴). این سنگ محراب در اردیبهشت سال ۱۳۸۹ به سرقت رفت، ولی با



تصویر ۴. سنگ محراب شماره ۲ (مأخذ: نگارنده).

(تصویر ۵).

در اطراف نقش محرابی سمت راست زیر لوزی، سوره توحید و در اطراف نقش محرابی سمت چپ عبارت «لااله الاالله و محمد رسول الله صلی الله علیه» به خط کوفی برگ‌دار نوشته شده و داخل این دو نقش محرابی با یک سرو کوچک و اسلیمی مختصر پر شده است (تصویر ۶).

بخش دوم محراب یا قسمت میانی که به صورت یک قوس تیزه‌دار است، کتیبه‌ای نقر شده است. بخش اول کتیبه شامل کلمه



تصویر ۳. کتیبه قوس داخلی محراب (مأخذ: نگارنده).

تلاش نیروهای انتظامی، در شهریور همان سال کشف و در اختیار یگان حفاظت سازمان میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری فارس قرار گرفت.

قدمت

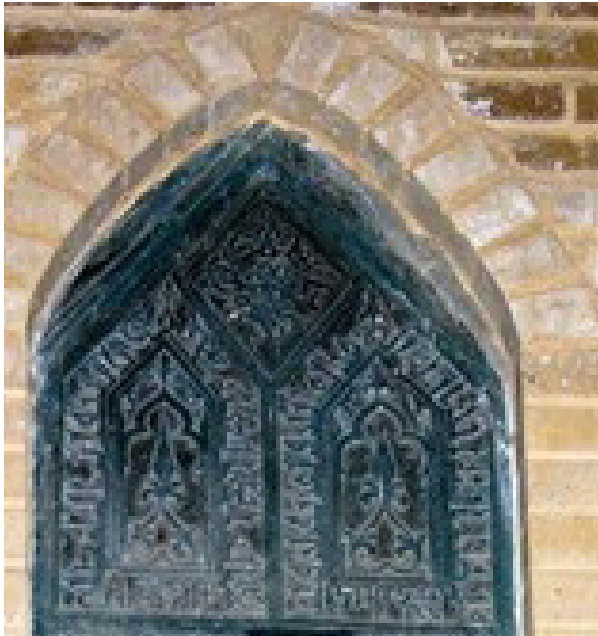
این سنگ محراب نیز چون سنگ محراب‌های دیگر این مسجد، بدون تاریخ است. ویلبر با توجه به خط کوفی کتیبه، آن را به قرن پنجم و ششم هجری منسوب می‌کند (ویلبر، ۱۳۸۷). هرچند مشابه این سنگ محراب در هیچ‌جا مشاهده نشده، اما خطوط کوفی برگ‌دار و تزیینات ظریفش، قدمت آن را اوایل قرن ششم نشان می‌دهد. این سنگ محراب که به شکل مستطیل با یک زائده مثلثی‌شکل در بالا است، ۱/۲۵ متر ارتفاع و ۴۰ سانتی‌متر عرض دارد و شامل سه قسمت است.

بخش فوقانی دو قاب محرابی و یک طرح لوزی در بالای آن دارد که کلمات محمد بن مهدی در طرح لوزی آن دیده می‌شود

زیر این قوس یک نقش محرابی بزرگ تر طراحی شده و دو کتیبه بر آن نوشته شده است. داخل طرح قوس قسمت فوقانی به خط کوفی برگدار خیلی ریز آیه ۹۹ سوره حجر «واعبد ربک حتی یاتیک الیقین» نگارش یافته است.

در بخش اصلی طرح بخشی از آیه الکرسی به خط کوفی درشت تر

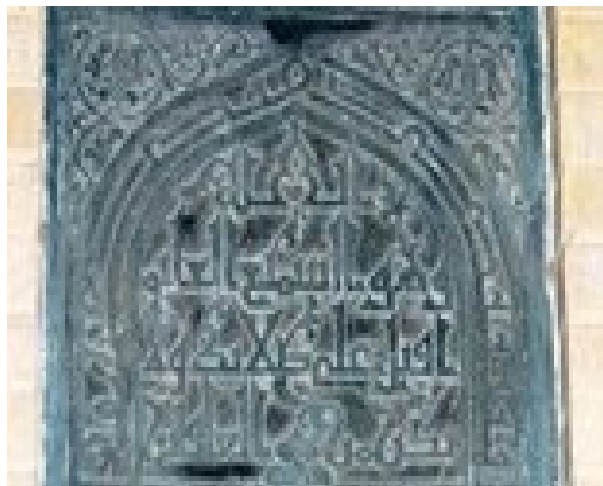
«فسیکفیکهم» ابتدای آیه ۱۳۲ سوره بقره است که به صورت کشیده و باریک در اطراف قوس نوشته شده و ادامه این آیه «الله و هو السميع العليم» و یک حدیث نبوی «اقبل علی صلاتک و لا تکن من الغافلین» به همان سبک کوفی داخل قوس نوشته شده است (تصویر ۷).



تصویر ۶. طرح بالای سنگ محراب شماره ۲ (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۵. طرح لوزی بالای سنگ محراب شماره ۲ (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۷. طرح قوس میانی سنگ محراب شماره ۲ (مأخذ: نگارنده).

این محراب با توجه به خطوط کتیبه‌های آن، متعلق به قرن هشتم هجری قمری است و با توجه به اینکه جنید شیرازی در توصیف

نوشته شده است:

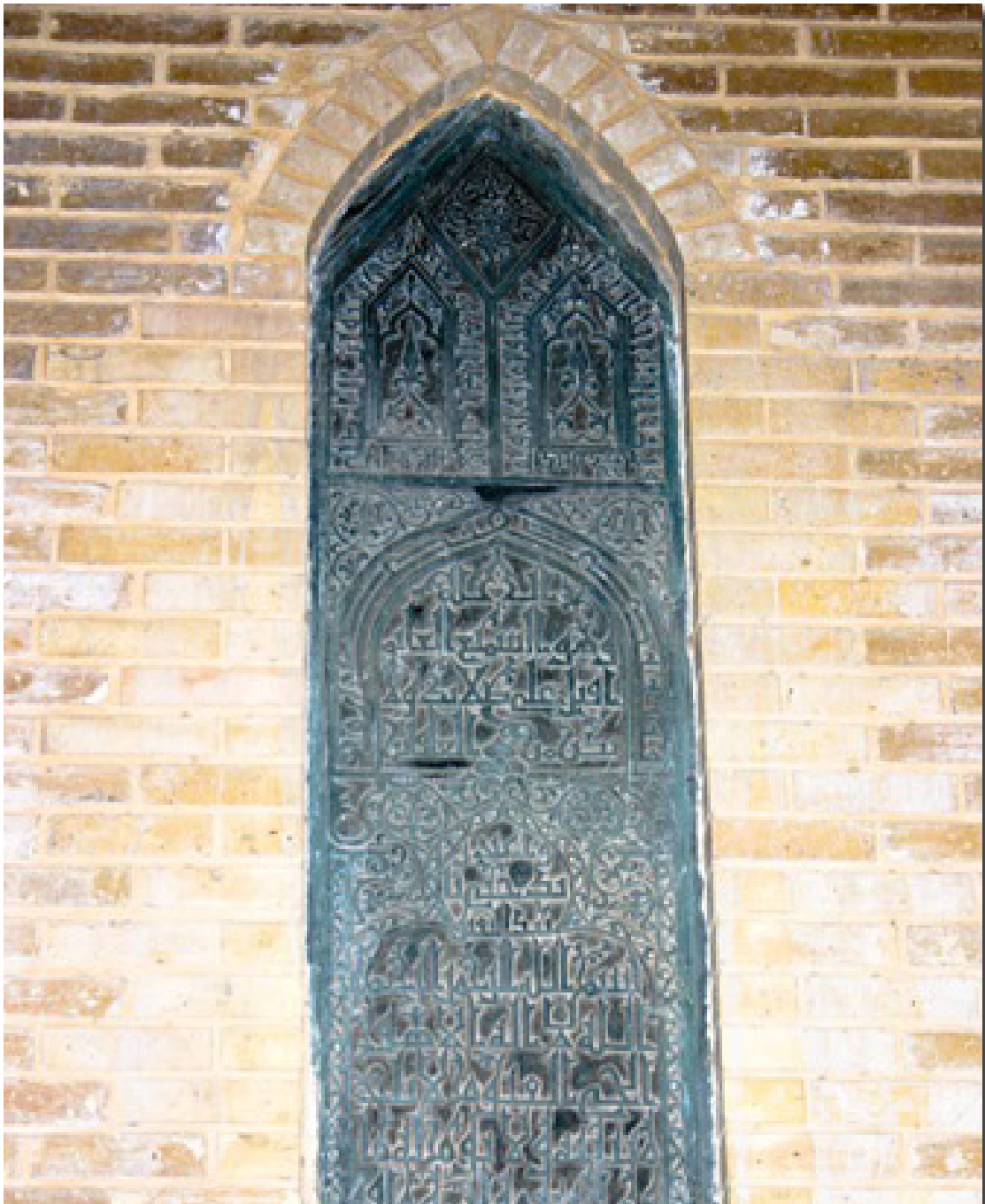
«بسم الله الرحمن الرحيم. الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات والارض من ذا الذي يشفع...» (تصویر ۸).

ویلبیر با توجه به خط حروف کوفی آن کتیبه را به قرن‌های پنجم و ششم هجری قمری منسوب می‌کند (ویلبیر، ۱۳۸۷).

سنگ محراب ۳

موقعیت مکانی

دو تن از این محراب سنگی یاد کرده‌اند: یکی ویلبیر که در گزارش خود از آن به عنوان محراب سنگی با نقوش معرق یاد کرده و تأکید می‌کند از مسجد عتیق به موزه شیراز منتقل شده است (ویلبیر، ۱۳۸۷). دیگری سامی در کتاب شیراز است که تصویری از این سنگ محراب آورده و بدون اشاره به محل نصب آن در مسجد جامع، به ذکر تاریخ انتقال آن از مسجد عتیق به موزه پارس در سال ۱۳۱۶ شمسی اکتفا کرده است (سامی، ۱۳۴۷) (تصویر ۹).



تصویر ۸. سنگ محراب مسجد جامع عتیق منتقل شده به مسجد وکیل (مأخذ: نگارنده).

محراب‌های مسجد عتیق» (جنیدشیرازی، ۱۳۲۰)، محتمل است از آثار امیرجلال‌الدین یحیی بن محمد بن محمد بن حیدرالحسینی باشد.

محراب مزبور ۹۴ سانتی‌متر عرض و ۱۰۲ سانتی‌متر ارتفاع دارد و

امیر جلال‌الدین یحیی بن محمد حیدر الحسینی فرزند امیر تاج‌الدین محمد بن بهاء‌الدین حیدر درباره کتیبه‌های محرابی قرن هشتم می‌نویسد:

«آثار و خیرات ایشان نوشته است بر سنگی و چوبی در



تصویر ۹. سنگ محراب مسجد جامع عتیق منتقل شده به موزه هفت تنان (مأخذ: نگارنده).

شرقی تعلق داشته‌اند. این سنگ محراب‌ها فاقد تاریخ و نام بانی و یا سازنده آن هستند. مضامین کتیبه‌های آنها را آیات قرآنی و احادیث نبوی تشکیل می‌دهد که عموماً به خط کوفی برجسته است. خطوط ثلث و کوفی بنائی که در قرن هشتم مرسوم بوده، در کتیبه محراب سوم مشهود است.

تعارض در منافع

میان نویسندگان هیچ تعارضی در منافع یافت نشد.

۱۴ سانتی‌متر قطر آن است. در پیشانی محراب سورة فاتحة الكتاب به خط ثلث متوسط و هشت «سبحان الله» در یک کادر مربع به خط کوفی بنائی و «لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله» به خط ثلث در داخل قوس نقش شده است. نوع خطوط، ثلث خفی و کوفی معقلی بنائی است. در ضخامت سنگ نیز کلمه جلاله «الله» حجاری شده است. این محراب هم‌اکنون در موزه سنگ تکیه هفت تنان شیراز نگهداری می‌شود.

نتیجه‌گیری

مسجد جامع عتیق شیراز قدمتی ۱۲۰۰ ساله دارد که در طول تاریخ حیاتش، از پس هر ویرانی از سوی شاهان و یا حکام فارس مرمت، و اضافاتی بر آن الحاق شده است. این مسجد علاوه بر داشتن قدیمی‌ترین محراب که با توجه به نقوش گچ‌بری آن متعلق به قرن سوم است، سنگ محراب‌های متعددی دارد که از اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم تا قرن هشتم، یعنی دوره‌های اتابکان فارس و آل اینجو به دنبال مرمت‌های مسجد به آن افزوده شده است.

این سنگ محراب‌ها در حقیقت محراب‌نماهای کوچکی هستند که در جهت قبله بر دیوار نصب بوده‌اند و هر چند امروزه پراکنده‌اند و محل نصب اولیه آنها مشخص نیست، با توجه به اینکه آثار محراب بزرگ و قدیمی مسجد تا اوایل دوره پهلوی اول در کرباس جنوبی وجود داشته، به سه شبستان جنوب غربی، جنوب شرقی و شمال



منابع

- ابن بلخی (۱۳۶۴). *فارس‌نامه*. تصحیح دکتر منصور رستگارفسائی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن بطوطه، محمدبن (۱۳۴۸). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد. ج ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). *مرآت البلدان*. به کوشش دکتر عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- جنیدشیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم بن محمد (۱۳۲۰). *تذکره هزار مزار*. ترجمه عیسی بن جنید. به کوشش عبدالوهاب نورانی‌وصال. شیراز: کتاب‌فروشی احمدی و جهان نما.
- حقایق‌نگار خورموجی، میرزا جعفرخان (۱۳۸۰). *نزهت‌الآخبار (تاریخ و جغرافیای فارس)*. تصحیح و تحقیق سید علی آل داود. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زرکوب‌شیرازی، ابوالعباس معین‌الدین احمدبن شهاب‌الدین ابی‌الخیر (۱۳۵۰). *شیراز‌نامه*. به کوشش اسماعیل واعظ جوادی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سامی، علی (۱۳۴۷). *شیراز دیار سعدی و حافظ*. شیراز: چاپخانه موسوی.
- سجادی، علی (۱۳۷۵). *سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول*. ج ۱. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- شیبانی، زرین‌تاج، نیک‌زاد، ذات‌الله (۱۳۸۳). «بازشناسی مسجد عتیق شیراز». *نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، ضمیمه ش ۷، تابستان، ۱-۶۴*.
- فرصت شیرازی، محمدنصیر بن جعفر (فرصت‌الدوله) (۱۳۶۲). *آثارالعجم*. به کوشش علی دهباشی، تهران: فرهنگسرا (یساولی).
- ویلبر، دونالد. (۱۳۸۷). *مسجد عتیق شیراز*. ترجمه افرا بانک. تهران: فرهنگستان هنر.
- Ettinghausen, R (1972). *Islamic art in the metropolitan museum of art*. Metropolitan Museum of Art.